



مباحث تربیت کودکان رادیو

• کورش محمدی
کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه

شیوه‌های فرزندپروری و مهارت‌های پرورش فرزند در عصر حاضر یکی از دل‌مشغولی‌های والدین جوان است. افزایش سطح سواد والدین، افزایش سن ازدواج، کاهش تعداد فرزندان خانواده‌ها و افزایش احساس مسئولیت و نگرانی والدین جوان در مورد سرنوشت فرزندان سبب افزایش روزافزون نیازها و پرسش‌ها در مورد روش‌های فرزندپروری کارآمد شده است. والدین بیش از هر زمان دیگری علاقه‌مندند به‌گونه‌ای فرزند خود را پرورش دهند تا در آینده بیشترین کارآمدی و شایستگی را در مهارت‌های اجتماعی و شغلی و بیشترین احساس شادکامی و بهروزی را داشته باشند. از طرف دیگر رادیو به عنوان رسانه‌ای کارآمد و دردسترس، رسالت مهمی در آموزش این مهارت‌ها دارد، چراکه کودکان امروز والدین و آینده‌سازان فردا خواهند بود و تربیت این نسل مسئله‌ی کم‌اهمیتی نیست که بتوان از آن غفلت کرد یا به تنهایی به والدین واگذار نمود. در مورد فرزند پروری توجه به سیستم‌های پاداش و تنبیه و سبک‌های فرزندپروری اهمیت ویژه‌ای دارد.

سیستم‌های پاداش و تنبیه

ممکن است والدین ناخواسته رفتاری را که نمی‌پسندند در کودک افزایش دهند. برای مثال تقاضای کودک را که با صدای آرام ادا می‌شود پاسخ نمی‌دهند و تنها وقتی که کودک صدایش را بالا می‌برد به او جواب می‌دهند. به تدریج والدین به این تن صدا عادت کرده و تنها به صداهای بلندتر توجه می‌کنند. والدین به گونه‌ای عمل می‌کنند که گویی موظف هستند سروصدا کردن را به کودک بیاموزند.

ارگانیسم‌های زنده دائماً به وسیله محیط شرطی می‌شوند، ما می‌توانیم اجازه بدهیم اصول یادگیری به طور نامنظم بر کودکانمان تأثیر بگذارند یا اینکه با کاربرد آنها به رشد کودکانمان جهت بدهیم.

این نوع شرطی شدن دو اصل کلی دارد:

- هر رفتاری که با یک تقویت‌کننده دنبال شود تکرار می‌گردد.
- تقویت‌کننده چیزی است که کودک آن را دوست دارد و می‌خواهد به آن دست یابد. به این ترتیب رفتاری تکرار خواهد شد که پیامدی مطلوب برای کودک به دنبال داشته باشد و به آن رفتار شرطی شده می‌گویند. می‌توان منتظر ماند و به محض اینکه کودک رفتار پسندیده را انجام داد، به او همان چیزی را ارائه کنیم که می‌دانیم دوستش دارد. (اسکینر، ۱۹۷۱)

تقویت‌کننده‌های مثبت و منفی

تقویت‌کننده مثبت چیزی است که وقتی در نتیجه پاسخی به موقعیت اضافه می‌شود احتمال تکرار پاسخ را افزایش می‌دهد، مانند شکلات. هر گاه رفتار ارگانیسم با یک تقویت‌کننده مثبت دنبال شود به این عمل تقویت مثبت می‌گوییم. تقویت‌کننده منفی چیزی است که وقتی در نتیجه پاسخی از موقعیت حذف می‌شود احتمال تکرار آن پاسخ را افزایش می‌دهد، مانند پخشش جریمه‌های تکلیف مدرسه. (هرگنهان و السون، ۲۰۰۱)

ایجاد رفتارهای پیچیده در کودک به روش مطرح‌شده دشوار است، چرا که ممکن است کودک نتواند رفتار مناسب را به یکباره انجام دهد. در این شرایط رفتار پیچیده را به اجزای ساده‌تری تقسیم می‌کنند که برای کودک قابل اجراست، سپس به صورت گام به گام رفتار اولیه به رفتار هدف نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود. به عبارت دیگر به تدریج رفتارهایی تقویت می‌شوند که شباهت بیشتری به رفتار هدف دارند. وقتی رفتار موردنظر روی داد، تقویت‌کننده می‌تواند به شیوه‌های مختلفی ارائه شود که «برنامه تقویت» خوانده می‌شود.

برنامه‌های تقویت

وقتی که رفتار موردنظر ایجاد شد، برای حفظ آن لازم نیست که هرگاه آن رفتار روی داد، تقویت‌کننده ارائه شود، حتی بررسی‌ها

نشان داده‌اند رفتارهایی که به صورت گاه به گاه تقویت می‌شوند دوام بیشتری خواهند داشت، برعکس رفتارهایی که در صد درصد موارد تقویت می‌شوند سریعتر از بین می‌روند. در واقع یکی از عواملی که باعث می‌شود رفتار ناپسند و نامطلوب کودکان ادامه یابد، همین تقویت گاه به گاه است. شناخته‌شده‌ترین برنامه‌های تقویتی پنج برنامه هستند که در زیر معرفی می‌شوند:

الف- **برنامه تقویتی پیوسته:** در این برنامه‌ی تقویتی هرگاه ارگانیسم رفتار مورد نظر را انجام داد تقویت دریافت می‌کند. در دوره یادگیری اولیه از این برنامه استفاده می‌شود تا رفتار مورد نظر به خوبی برقرار شود.

ب- **برنامه تقویتی فاصله‌ای ثابت:** در این برنامه ارگانیسم در صورتی به تقویت‌کننده خواهد رسید که اولاً رفتار موردنظر را انجام دهد و ثانیاً مدت‌زمان ثابت و مشخصی از دریافت تقویت قبلی گذشته باشد. دریافت عیدی از اقوام نمونه خوبی از این برنامه تقویتی است. کودک می‌داند که برای دریافت عیدی باید به خانه اقوام برود (رفتار) و اینکه مدت‌زمان مشخصی از دریافت عیدی قبلی گذشته باشد (یکسال).

ج- **برنامه تقویتی فاصله‌ای متغیر:** در این برنامه نیز ارگانیسم در صورتی به تقویت‌کننده خواهد رسید که اولاً رفتار موردنظر را انجام دهد و ثانیاً مدت‌زمان خاصی از دریافت تقویت قبلی گذشته باشد، اما این مدت نامشخص است. به عبارت دیگر امکان دستیابی به تقویت بعدی ممکن است بلافاصله بعد از تقویت قبلی باشد یا اینکه مدت‌زمان تقریباً طولانی بین آنها واقع شود.

د- **برنامه تقویتی نسبی ثابت:** در این برنامه ارگانیسم در قبال انجام رفتار مورد نظر به تعداد دفعات مشخص تقویت دریافت می‌کند. برای مثال ممکن است بعد از گرفتن پنج تاییست، جایزه مشخصی به کودک داده شود.

ه- **برنامه تقویتی نسبی متغیر:** در این برنامه نیز ارگانیسم بعد از چند دفعه انجام رفتار موردنظر تقویت می‌شود، اما تعداد دفعات مشخص نیست. کودکی که گاهی اوقات در برابر گریه و زاری کردن به هدف خود می‌رسد، در واقع توسط برنامه نسبتی متغیر تقویت شده است. تغییر دادن رفتار این کودک بسیار دشوارتر از تغییر رفتار کودکی است که همیشه بعد از این کار خود تقویت دریافت کرده است. (هرگنهان و السون، ۲۰۰۱)

خاموشی

خاموشی (Extinction) عبارت است از حذف کردن رفتار شرطی - شده بر اثر عدم ارائه تقویت. باید به خاطر داشت که بعد از خاموشی، رفتار مورد نظر محو نمی‌شود، بلکه به میزان حداقلی می‌رسد که به آن خط پایه یا سطح کنشگر (Operant Level) می‌گویند. برنامه تقویتی پیوسته کمترین میزان مقاومت در برابر خاموشی و کمترین میزان پاسخ‌دهی را ایجاد می‌کند. همه

برنامه‌های تقویت نسبتی در مقایسه با برنامه‌ی تقویت پیوسته مقاومت بیشتری در مقابل خاموشی و میزان پاسخ‌دهی بیشتر تولید می‌کنند. به طور کلی برنامه‌ی تقویتی نسبتی متغیر بیشترین میزان پاسخ‌دهی را تولید می‌کند و بعد از آن به ترتیب برنامه‌های نسبتی ثابت، فاصله‌ای متغیر، فاصله‌ای ثابت و دست آخر برنامه‌ی پیوسته.

تنبیه

تنبیه زمانی رخ می‌دهد که رفتار فرد، چیز مثبتی را از موقعیت حذف کند یا چیز منفی به آن بیفزاید. می‌توان گفت که تنبیه دور ساختن چیزی از ارگانسیم است که خواستار آن است یا دادن

ایجاد می‌کنند صرفاً در جهت ایجاد تغییر با هم متفاوت نیستند. کودکی که به سبب یک رفتار خاص به شدت تنبیه می‌شود الزاماً تمایل کمتری نسبت به انجام این کار از خود نشان نخواهد داد و شخصی که به علت حمله به دیگران زندانی می‌شود الزاماً نسبت به حمله به دیگران تمایل کمتری نخواهد داشت. پس از آنکه وابستگی‌های تنبیهی از میان رفتند، رفتار تنبیه‌شده ظاهر می‌شود.

در یک آزمایش جالب، این موضوع به روشنی نشان داده شده است. دو گروه هشت‌تایی موش تربیت شدند تا در جعبه اسکینر اهرم را فشار دهند. پس از آن هر دو گروه تحت برنامه خاموشی قرار گرفتند. رفتار یکی از دو گروه به طریق معمول یعنی

راديو به عنوان رسانه‌ای کارآمد و دردسترس، رسالت مهمی در آموزش مهارت‌ها دارد؛ چرا که کودکان امروز والدین و آینده‌سازان فردا خواهند بود و تربیت این نسل مسئله کم‌اهمیتی نیست که بتوان از آن غفلت کرد یا به تنهایی به والدین واگذار نمود.



چیزی است که او طالب آن نیست. صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که اگرچه تنبیه سبب بازداری یا واپس‌زدن پاسخ می‌شود، ولی تا زمانی که تنبیه به کار می‌رود، عادت ضعیف نمی‌گردد. تنبیه برای حذف رفتار نادرست، خطرناک یا نامطلوب از خزانه رفتار فرد طرح‌ریزی می‌شود و فرض بر این است که فرد تنبیه‌شونده با احتمال کمتری آن رفتار را انجام خواهد داد. متأسفانه موضوع به این سادگی نیست. پاداش و تنبیه از لحاظ تغییری که در رفتار

حذف غذا بعد از فشاردادن اهرم خاموش شد و گروه دوم علاوه بر دریافت نکردن غذا، بعد از فشاردادن اهرم شوک برقی دریافت کردند. سه مرحله خاموشی وجود داشت و موش‌ها تنها در مرحله اول شوک دریافت کردند. مرحله دوم و سوم برای هر دو گروه یکسان بود. نتایج نشان داد که گروه تنبیه‌شده در مرحله اول خاموش‌سازی از گروه تنبیه‌نشده پاسخ‌های اهرم فشاری کمتری نشان داد اما تعداد پاسخ‌های هر دو گروه در مرحله دوم خاموش-

سازی یکسان بود. با توجه به این داده‌ها می‌توان نتیجه گرفت که تنبیه مؤثر افتاده است، زیرا تعداد پاسخ‌های پیش از خاموشی برای گروه تنبیه‌شده کمتر بوده است. اما در مرحله سوم خاموشی گروهی که قبلاً تنبیه‌شده بود پاسخ‌های بسیار بیشتری داد. بنابراین در درازمدت گروهی که تنبیه شده بود از لحاظ تعداد کل پاسخ‌های پیش از خاموشی به حد گروه تنبیه‌نشده رسید. نتیجه این آزمایش نشان داد که روش خاموشی ساده (عدم ارائه تقویت) در از بین بردن یک عادت، بیش از تنبیه مؤثر است. (استیس، ۱۹۹۴)

دو دلیل عمده‌ی محققان علیه استفاده از تنبیه این است که تنبیه در درازمدت بی‌تأثیر است. به نظر می‌رسد که تنبیه صرفاً رفتار را پس می‌زند و زمانی که دیگر تهدید تنبیه وجود نداشته باشد، نرخ پاسخ به میزان اولش بازمی‌گردد. بنابراین تنبیه در واقع اثری ناپایدار بر جا می‌گذارد. محققان دیگر دلایل دیگری را علیه استفاده از تنبیه مطرح کرده‌اند:

۱. تنبیه آثار هیجانی نامطلوب به بار می‌آورد؛ ارگانسمی که تنبیه می‌شود می‌ترسد و این ترس به محرک‌های مختلفی که هنگام تنبیه شدن حضور دارند تعمیم می‌یابد.

۲. تنبیه به ارگانسیم نشان می‌دهد که چه‌کار نکنند نه اینکه چه‌کار بکنند؛ در قیاس با تقویت، تنبیه هیچ‌گونه اطلاعی در اختیار ارگانسیم قرار نمی‌دهد. تقویت نشان می‌دهد که یک رفتار خاص مؤثر است، در مقابل تنبیه این آگاهی را به ارگانسیم می‌دهد که پاسخ تنبیه‌شده ناکارآمد است و او به یادگیری بیشتری نیاز دارد تا به پاسخی که کارساز است منجر شود.

۳. تنبیه صدمه‌زدن به دیگران را توجیه می‌کند؛ وقتی که کودکان تنبیه می‌شوند، می‌آموزند که در بعضی موقعیت‌ها صدمه زدن به دیگران جایز است.

۴. کودک با قرارگرفتن در موقعیتی که بتواند رفتار قبلاً تنبیه شده را بدون تنبیه شدن انجام دهد، ممکن است وادار به انجام آن رفتار شود؛ بنابراین در غیاب عامل تنبیه‌کننده ممکن است کودکان فحش بدهند، شیشه بشکنند، به کودکان کوچک‌تر آزار برسانند و غیره. این کودکان آموخته‌اند که در حضور عوامل تنبیه کننده این رفتارها را واپس بزنند اما دلیلی نمی‌بینند که در غیاب عوامل تهدیدکننده این رفتارها را انجام ندهند.

۵. تنبیه سبب ایجاد پرخاشگری به عامل تنبیه‌کننده و دیگران می‌شود؛ تنبیه در شخص تنبیه‌شونده ایجاد پرخاشگری کرده و این پرخاشگری مشکلات دیگری ایجاد می‌کند. برای نمونه مؤسسات کیفی جامعه که تنبیه را به‌عنوان وسیله اصلی کنترل به‌کار می‌برند، مملو از افراد بسیار پرخاشگر هستند و مادام که تنبیه برای کنترل رفتار آنان به‌کار می‌رود، همچنان پرخاشگر باقی خواهند ماند.

۶. تنبیه اغلب یک پاسخ نامطلوب را جانشین پاسخ نامطلوب دیگر می‌سازد؛ برای نمونه کودکی که به سبب ریخت و پاش تنبیه می‌شود، به کودکی نق نقو تبدیل می‌شود.

سبک‌های فرزندپروری

در بحث سبک‌های فرزندپروری روان‌شناسان سه شیوه کلی فرزندپروری را از یکدیگر متمایز می‌کنند:

الف) شیوه مقتدرانه

والدین اقتداری برای رشدیافتگی فرزندان انتظارات معقولی دارند و با برقراری محدودیت‌ها و تأکید بر اطاعت، آنها را تحت فشار قرار می‌دهند. هم‌زمان با این کار نسبت به فرزندان خود ابراز صمیمیت و مهربانی می‌کنند، به نظر آنها با حوصله گوش می‌دهند و آنها را به شرکت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی تشویق می‌کنند. در مجموع شیوه فرزندپروری مقتدرانه یک رویکرد آزادمنشانه و منطقی است که هم حقوق والدین و هم حقوق فرزندان را مشخص می‌کند و هم برای آنها احترام قائل است. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که بین این شیوه و بسیاری از جنبه‌های شایستگی در نوجوانی رابطه وجود دارد. این شایستگی‌ها شامل سطح بالای رشد اخلاقی و اجتماعی، یادگیری در مدرسه و پیشرفت درسی در دبیرستان می‌شود. (برک، ۱۹۹۷)

ب) شیوه مستبدانه

والدینی که شیوه‌ی مستبدانه را به‌کار می‌برند، متوقع نیز هستند اما همنوایی آنها آنقدر زیاد است که وقتی فرزندان تمایلی به اطاعت ندارند به آنها بی‌علاقگی نشان می‌دهند و حتی آنها را طرد می‌کنند. هرگاه فرزندان حرف والدین را بدون چون و چرا نپذیرند، متوسل به زور و تنبیه می‌شوند. فرزندان والدین مستبد گوشه‌گیر و ناشاد هستند. این کودکان در تعامل با همسالان در صورت ناکامی، خصومت از خود نشان می‌دهند. به خصوص پسرها عصبانیت و مبارزه‌طلبی بالایی دارند. دخترها وابسته و فاقد روحیه اکتشاف هستند و از برخورد و پذیرش مسئولیت طفره می‌روند. همچنین نوجوانانی که والدین مستبد دارند سازگاری کمتری نشان می‌دهند. (همان)

ج) شیوه آسان‌گیر

روش آسان‌گیری پرورش فرزند قابل قبول و مفید است اما این روش از اعمال هر نوع سخت‌گیری یا کنترل اجتناب می‌کند. والدین آسان‌گیر فرزندان خود را مجاز می‌کنند تا برای خود تصمیمات بسیاری بگیرند (در سنی که آنها ظرفیت چنین کاری را ندارند). این بچه‌ها هر وقت بخواهند می‌توانند حرف دیگران را قطع کنند و موجب دلخوری آنها شوند بدون اینکه با ممانعت والدین مواجه شوند. فرزندان این والدین بسیار خام هستند، در کنترل تکانه‌های خود مشکل دارند و هنگامی که از آنها خواسته می‌شود کاری را انجام دهند که با علایق زودگذر آنها در تضاد است، نافرمانی و سرکشی می‌کنند. فرزندان این والدین افرادی پرتوقع هستند و به والدین وابستگی دارند. نوجوانان که به شیوه آسان‌گیری پرورش یافته‌اند، نسبت به نوجوانانی که از استاندارد روش رفتاری استفاده می‌کنند، کمتر در یادگیری مدرسه مشارکت

دارند و بیشتر داروهای روان‌گردان استفاده می‌کنند. (برجعلی، ۱۳۷۸)

امکان استفاده از رادیو برای افشار کم درآمد نیز آسان تر و ارزانتر از سایر رسانه‌هاست. از آنجاکه این گروه‌ها بیش از دیگران در معرض آسیب‌های روانی، انزوا و محرومیت از اطلاع‌رسانی

نتایج	شیوه فرزندپروری
در کودکی: سرزندگی و شادابی، عزت نفس بالا، خود کنترلی بالا در نوجوانی: سطح بالای جرئت ورزی، بلوغ اجتماعی و اخلاقی و پیشرفت علمی	مقتدرانه
در کودکی: مضطرب، ناشاد، منزوی و ناسازگار، خصومت‌ورز در نوجوانی: ناسازگاری کمتر نسبت به طبقه بالا و عملکرد تحصیلی بهتر نسبت به طبقه پایین	مستبدانه
در کودکی: تکانشی، نافرمانی و سرکشی، متوقع و وابسته به بزرگسالان در نوجوانی: خودمبارگری و عملکرد ضعیف در مدرسه، مصرف داروهای روانگردان	آسان‌گیر

جدول ۱: ارتباط سبک فرزندپروری با ویژگی‌های کودکان و نوجوانان

رادیو رسانه‌ای آگاهی‌بخش

باتوجه به نقش فراگیر رسانه‌ها در جامعه‌ی امروز، رسالت بزرگی در ارتباط با نسل آینده‌ساز جامعه بر عهده رسانه‌هاست. رسانه با پرداختن به امر مهم تربیت فرزندان، می‌تواند نقش مهمی در آگاهی‌دهی به والدین نسبت به شیوه‌های مناسب تربیت فرزندان داشته باشد. پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که می‌توان با ارسال پیام‌های آموزشی از طریق رسانه‌های جمعی شامل رادیو، تلویزیون و رسانه‌های چاپی، در زمینه ارائه راهبردهای عملی برای مواجهه با مشکلات رفتاری کودکان، مشکلات بین زوجی، اعتیاد به سیگار و سایر مسائل روانی و جسمی اقدام‌های مؤثری انجام داد (راکویل، ۱۹۹۰؛ ساندل و شانی، ۱۹۷۸؛ بارکر، پیسترنج، شاپیرو و دیگران، ۱۹۹۳؛ رید و کیلورن، ۱۹۹۲؛ موسر، ۱۹۸۳). یک مطالعه نشان داد که عکس‌العمل مردم نسبت به این برنامه‌ها مجموعاً مثبت است و اینکه مخاطبان می‌توانستند جزئیات این برنامه‌ها را ماه‌ها بعد از پخش به خاطر بیاورند. (کیث، ۱۹۹۶) برنامه‌های رسانه‌های گروهی که به منظور تأثیر بر رفتارهای سالم افراد مخاطب تهیه می‌شوند دو هدف کلی را دنبال می‌کنند: یکی تأثیر مثبت بر رفتارهای سالم مخاطب‌های برنامه و دیگری تأثیر بر سیاست‌های مربوط به سلامت روان بر دیدگاه‌های مردم. رسانه‌ای که برای رساندن پیام مورد استفاده قرار می‌گیرد در میزان مؤثر بودن پیام نقش دارد. مخاطبان می‌توانند در حال انجام کارها و امور روزانه در خانه، محل کار یا در حال رانندگی و بدون تلاش از برنامه‌های رادیویی بهره‌برند (اوستین و هاستد، ۱۹۹۸). رادیو به سهولت در دسترس قشرهایی مثل رانندگان بین‌جاده‌ای، نگهبانان و کارگران دور از مراکز جمعیتی مثل کارگران معادن قرار دارد که دسترسی آنها به سایر رسانه‌های گروهی اگر غیرممکن نباشد لااقل دشوار است.

صحیح قرار دارند، رادیو می‌تواند به‌عنوان رسانه‌ای ارزان و در دسترس نقش مهمی در کاهش آسیب‌شناسی رفتاری در این افراد بر عهده گیرد. از طرف دیگر مسئله هزینه برنامه و تعداد مخاطبان باعث می‌شود که رادیو رسانه‌ای هزینه‌کارآمد باشد؛ به عبارتی با صرف هزینه کمتر می‌تواند تعداد بیشتری از مخاطبان را تحت پوشش قرار دهد. اگرچه تصور می‌شود پیام‌های ویدئویی مؤثرتر از پیام‌های شنیداری هستند، دو مسئله استفاده از تلویزیون را برای هدف این مقاله محدود می‌کند: یکی اینکه اگر چه پخش برنامه در ساعات پربیننده بسیار مطلوب است اما رقابت با ارزش سرگرم‌کنندگی برنامه‌های رقیب دشوار است. دیگر اینکه ساختن برنامه‌های تلویزیونی بالنسبه گران است و از این-رو شاخص هزینه بر نفر در برنامه‌سازی تلویزیونی بالاست. (همان)

این که چه کسی رساننده‌ی پیام است ممکن است به همان اندازه حائز اهمیت باشد که خود پیام. محققان بر این اعتقاد هستند که مقبول بودن پیام‌رسان در تغییر نگرش مخاطبان مؤثر است. بنابراین هر قدر منبع پیام مقبول‌تر باشد احتمال تغییر نگرش بیشتر خواهد بود (هاولند و همکاران، ۱۹۵۳). تحقیقات دیگر مهم‌ترین جنبه‌های مقبول‌افتادن پیام‌رسان را مشخص کرده‌اند: تخصص، مورد اعتماد بودن، شباهت به مخاطبان و جذابیت (پتی و کاپیویو، ۱۹۸۱). اثر پیام‌رسان وقتی بیشتر خواهد بود که مخاطبان معتقد باشند او متخصص در این زمینه است و با مطالعه و آشنایی نسبت به مشکلات رفتاری فرزندان و با احساس نزدیکی با مخاطب استدلال می‌کند. هرچه طرز بیان نزدیک به مخاطب باشد، اثربخشی پیام افزایش می‌یابد (آرونسون و گلدن، ۱۹۶۲).

با توجه به ویژگی‌های گیرندگان پیام بعضی پیام‌ها مؤثرتر از

پیام‌های دیگر هستند. برای مثال افراد باهوش در برابر پیام‌های پیچیده بیشتر احتمال دارد که نگرش خود را تغییر دهند تا افراد کم‌هوش‌تر (ایگلی و وارن، ۱۹۷۶). بنابراین بهتر است پیام‌ها طوری طراحی شوند که با توجه به ویژگی‌های مخاطبان، افراد دارای سطوح هوشی مختلف بتوانند از آن بهره ببرند. علاوه بر ویژگی‌های فردی مخاطبان، ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی مخاطبان نیز باید در نظر گرفته شود. برای مثال در کشور ما با توجه به اینکه در مناطق مختلف از گویش‌ها، زبان‌ها یا اصطلاحات خاص خود استفاده می‌نمایند، از این‌رو باید در نظر داشت که مخاطبان مناطق مختلف ممکن است دشواری‌هایی در درک مفاهیم مطرح شده داشته باشند، بنابراین برنامه‌های محلی می‌توانند مؤثرتر از برنامه‌های سراسری باشند. از طرفی با توجه به سطح سواد مخاطبان، بهتر است از کاربرد اصطلاحات تخصصی و پیچیده که مستلزم آشنایی قبلی مخاطبان با موضوعات بحث است اجتناب شود تا پیام‌های عرضه‌شده برای مخاطبان مفهوم باشد.

خلاصه

رسانه آگاهی‌بخش رادیو می‌تواند توجه والدین را به نقش پراهمیت سیستم‌های پاداش و تنبیه و سبک‌های فرزندپروری جلب نموده و با آشناکردن والدین با این مفاهیم، گام مؤثری در جهت استفاده از این اصول برای بهبود پرورش فرزندان بردارد. می‌توان اجازه داد که اصول یادگیری به‌طور نامنظم بر کودکانمان اثر گذارده یا اینکه با شناخت این اصول و به‌کارگیری آنها نسبت به حذف رفتارهای نامناسب کودکان و ایجاد رفتارهای مطلوب، به‌صورت سازمان‌یافته عمل کرد. تقویت‌کننده چیزی است که ارگانیسم به آن گرایش دارد، تقویت‌کننده مثبت به ارائه عامل مطلوب و تقویت‌کننده منفی به حذف عامل نامطلوب اشاره دارد. برنامه‌های تقویت نیز به شیوه اختصاص تقویت‌کننده به رفتار می‌پردازند و رفتارهایی که توسط هر برنامه تقویتی ایجاد می‌شوند از لحاظ دوام و نرخ پاسخ متفاوت‌اند. تنبیه نیز عبارت است از ارائه عامل نامطلوب یا حذف عامل مطلوب و خاموش‌سازی شامل حذف رفتار شرطی توسط عدم ارائه تقویت. بنا به دلایل مختلف، محققان با تنبیه مخالف هستند، از جمله این دلایل می‌توان به آثار نامطلوب هیجانی، عدم سرنخ‌دهی برای رفتار مناسب و تنفر و خصومت نسبت به فرد تنبیه‌کننده و محل تنبیه اشاره نمود.

سبک‌های فرزندپروری نیز نقش مهمی در پرورش فرزندان دارند. سبک مقتدرانه هم محدودیت ایجاد می‌کند و هم با ابراز علاقه و محبت همراه است. سبک مستبدانه با توسل به زور مشخص می‌شود و شیوه آسان‌گیر نیز با نبود محدودیت متمایز می‌گردد. هر یک از این سبک‌های فرزندپروری با تأثیراتی در

سازگاری اجتماعی، موفقیت تحصیلی، عزت‌نفس، رشد اخلاقی و شادابی فرزندان همراه است.

منابع:

برک، لورای (۱۳۸۲). روان‌شناسی رشد، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: ارسباران.
هرگنهان و السون (۲۰۰۱). نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی‌اکبر سیف، تهران: دوران.

- Aronson, E. (1980). *The Social Animal*. San Francisco, Cal: Freedman.
- Austin, L. S., Husted, K. (1998). Cost-Effectiveness of Television, Radio, and Print Media Programs for Public Mental Health Education. *American Psychiatric Association*, 49, 808- 811.
- Barker, C. Pistrang, N. Shapiro, D. A., et al. (1993). You in Mind: a preventive mental health television series. *British Journal of Clinical Psychology*, 32, 281- 293.
- Brookman, R. R., Sood, A. A. (2006). Disorders of mood and anxiety in adolescents. *Journal of Adolescence Med Clin*, 17, 79- 95.
- Estes, W. K. (1994). Classification and cognition. New York: Oxford University Press.
- Hovland, C. M., Janis, I., & Kelly, H. H. (1953). Communication and persuasion. New Haven, Conn: Yale University Press.
- Keith, D. (1996). Executive Summary: What's on Your Mind? Focus Groups. Philadelphia, Bolton Research Corp.
- Moser, M. (1983). A decade of progress in the management of hypertension. *Journal of Hypertension*, 5, 808- 813.
- Petty, R. E., & Cacioppo, J. T. (1981). Attitudes and persuasion. Classic and contemporary approaches. Dubuque, Iowa: Wm C. Brown.
- Rockville, (1990). Three Community Programs Change Heart Health Across the Nation. Infomemo, special edition., Md, US Department of Health and Human Services, Fall 1990.
- Reid, D. J., Killoran, A. J. (1992). Choosing the most effective health promotion options for reducing a nation's smoking prevalence. *Journal of Tobacco Control*, 1, 185- 197.
- Schanie, C. F., Sundel, M. (1978). A community mental health innovation in mass media preventive education: the alternative project. *American Journal of Community Psychology*, 6, 573- 581.
- Skinner, B. F. (1970). *Beyond freedom and dignity*. New York: Knopf.

